



ظرفیت های خالی صنعت گردشگری را احیا کنید

گلیچ، ترمه بافی، سفال، زربافی، چاپ پارچه، قلم‌زنی، نگارگری، خاتم‌سازی، منبت و معرق، ملیله‌دوزی و... از دست ما بگیرند؛ در اینجا می‌توان از کشورهایی مانند هند، پاکستان، چین و نپال نام برد که توانستند نه تنها در سطح جهانی بلکه در بازارهای داخلی کشورمان کالاهای خود را به راحتی به فروش برسانند. در این بین تعدادی از کشورهای آسیای شرقی نظیر تایلند و تایوان هم با ساخت صنایع دستی و چوبی خود باعث شدند تا بازار خرید اجناس ایرانی کساد شود. اکنون کمتر فروشگاه‌های در سطح کشور پیدا می‌شود که کالاهای ساخت این کشور در آن یافت نشود، به طوری که در حدود ۷۰ درصد صنایع دستی موجود در داخل کشور به این کالاها تعلق دارد و اگر این روند ادامه پیدا کند، اکثر فروشگاه‌ها و مغازه‌های عرضه صنایع دستی در انحصار این گونه کالاها در خواهد آمد. تردیدی نیست توریست وقتی سفر می‌کند تنها برای دیدن آثار تاریخی و چشم‌اندازهای طبیعی و یا رفتن کنار ساحل نیست، بلکه خرید صنایع

هنرمندان و صنعتگران ما را نادیده می‌گیرند و به راحتی از محصولی که اثر هوش و ذوق هنرمند ایرانی است بهره‌برداری کرده و با تقلید از نقش و روش‌های آثار بومی کشورمان نه تنها در بازارهای داخلی بلکه در بازارهای جهانی با ما رقابت می‌کنند.

بعد از پیروزی انقلاب به دلیل مسایل و مشکلاتی که برای کشورمان پیش آمد که یکی از این موارد جنگ تحمیلی بود، باعث گردید تا وقفه‌ای نسبتاً طولانی در حمایت و فعالیت دست‌اندرکاران این صنعت به وجود آید، از این رو صنایع دستی ما با نواقص و کاستی‌هایی در سطوح مختلف آموزشی و مدیریت روبه‌رو گردید به طوری که در دهه‌های گذشته مسوولین ذی‌ربط هم نظر مثبتی به این صنعت و سودآور بودن آن نداشتند. آنچه مسلم است در این بین کشورهایی بودند که از غفلت مادر این صنعت استفاده کرده و برای این موضوع اهمیت خاصی قایل شدند و با صرف هزینه‌هایی در این جهت توانستند بسیاری از بازارهای جهان را در زمینه قالی،



سعید کاکا آقازاده

در عصر حاضر صنعت گردشگری به عنوان صنعت اول دنیا مطرح است و بسیاری از کشورها درآمد سالانه خود را از جذب توریسم تامین می‌کنند. بی‌تردید متولیان صنعت گردشگری کشورمان باید خود را مکلف کنند تا با اتخاذ رویکردهای بنیادین که مبتنی بر شرایط عرضه و تقاضای بازار جهانی باشد، این صنعت را به سمتی سوق دهند که به نقطه مطلوبی از رونق صنعت گردشگری برسد. از دیگر سو طرح‌های کلان و بزرگ بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های موجود باعث خواهد شد تا از بسیاری از امکانات و سرمایه‌های خرد و کوچک و در عین حال فراگیر در این صنعت غفلت کنیم. ضرورت ایجاد می‌کند در کنار جاذبه‌های طبیعی، تاریخی در زمینه‌های فرهنگی و مردم‌شناسی که بخش مهم آن مربوط به صنایع دستی می‌شود، نسبت به ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز آن و توسعه این صنعت، بخصوص ترویج به نسل‌های آتی اقدام نمایم. اما آنچه که به نظر می‌رسد بسیاری از ساخته‌های سنتی هنرمندان و استادکاران کشورمان که با خلاقیت و استعداد بومی خویش به قطعه‌ای از چوب، فلز، شیشه و... هویت می‌بخشید، اکنون بدون حمایت‌های مادی و معنوی در طی گذر زمان، می‌رود تا به فراموشی سپرده شود. از این رو دور از انتظار نیست وقتی می‌بینیم دیگران از اصالت و ارزش‌های هنرهای سنتی و صنایع دستی کشورمان الگوبرداری کرده و با عرضه و تکثیر آن، صیانت حقوق



عکس‌ها از سعید کاکا آقازاده



دستی هر کشور نیز برایشان جذابیت خاص خود را دارد. از آنجایی که نشانه‌های تمدن ایرانی آثاری است که از صنایع دستی دوران پارینه سنگی به دست آمده است، باستان‌شناسان معتقدند شروع تمدن با ساخت وسایل و ابزار مورد نیاز انسان‌ها پس از سنگی گزیدن خصوصاً شروع به کار کشاورزی آغاز شد و چون این دوران، دوران سنگ بود زیباترین وسایل و ابزار مورد نیاز را از سنگ ساختند. این موضوع در مورد تمدن‌های دیگر نیز صادق است. افزون بر این نیاز انسان‌ها به ابزار از عوامل مهم تولید صنایع دستی در این دوران بوده است که مردم به مواد اولیه‌ای دست پیدا کردند و توانستند هنر خود را روی این مواد پیاده کنند. البته در دوران فلز نیز این اتفاق تکرار شد، از این رو می‌توان گفت با شروع کشاورزی و دامداری، انسان‌ها توانستند به مواد اولیه همچون پشم، کرک، الیاف، چوب و... دست پیدا کنند که به تولید و ساخت بخشی از صنایع دستی انجامید ضمن آنکه صنایع دستی هرگز تابع زمان خاصی نبوده است از این رو مردمی که مشغول به کار کشاورزی شده بودند به دلیل آنکه در ماه‌هایی از سال کار کشاورزی نمی‌کردند، هر زمان که اوقات فراغت داشتند به ساخت انواع کالاهایی که بیشتر جنبه مصرفی و کاربردی برایشان داشته روی آوردند به طوری که ابزارهایی که در دوران کهن پیشینیان با ذوق و سلیقه خاصی جلوه‌ای زیبا و تماشایی به آن می‌بخشیدند. امروزه در موزه‌ها، گردشگران بی‌شماری را به خود جلب می‌کند. در ضمن این صنعت از نسلی به نسل دیگر در میان مردمان این سرزمین از پدر به پسر و از مادر به دیگر فرزندان انتقال یافته، اما در گذر زمان و با تغییر نحوه زندگی، جلوه‌ای دیگر یافته است. همچنین به نظر می‌رسد تولید این کالاها در شرایط فعلی نتوانسته مسیر پیشین خود را طی کند. حتی روند تولید این چنین کالاهایی در بسیاری از اقلام توان باز تولید خود را به دلیل نبود حمایت کافی به فراموشی سپرده است. در شرایط موجود ادامه این وضعیت باعث خواهد شد تا در آینده‌ای نه چندان دور به دلیل نبود علاقه‌مندانی به فراگیری چنین صنعتی، شاهد کاهش و حتی به فراموشی سپرده شدن برخی از تولیدات این نوع صنعت کشورمان باشیم.

می‌گویند ایرانی‌ها در تنوع محصولات، چینی‌ها در کیفیت و هندی‌ها در میزان تولید صنایع دستی سرآمد هستند. زمانی بود که وجود ۱۸۰ رشته صنایع دستی، کشور ما را در تنوع محصولات بی‌رقیب ساخته بود، به طوری که پیشینه تاریخی کشورمان بیانگر آن است که ایرانی‌ها در عرصه معماری و زندگی خود، صنایع دستی را در تمام روابط میانی و اعتقادی و فرهنگی راه داده و



متجلی کرده‌اند و پشتوانه تاریخی و فرهنگی عوامل برتر نسبی ما در حوزه صنایع دستی محسوب می‌شود. اما صنایع دستی جدا از ابعاد فرهنگی، هنری و تاریخی در ساختار اقتصادی جامعه به دنبال دست و پا کردن جایی برای فعالیت بیشتر است و در این نکته نباید تردید کرد که جنبه‌های گوناگون هنری، تجاری و اشتغال‌زایی صنایع دستی به دلیل نبود حمایت و سرمایه‌گذاری در این بخش با گذشت زمان در زندگی عادی مردم و دیگر اقوام ایرانی رنگ باخته است هر چند که تولید صنایع دستی در ایجاد اشتغال خانواده‌ها نقش موثری دارد، ولی در وهله اول باید جنبه‌های هنری، فرهنگی آن با عرضه کیفیت این محصولات مدنظر قرار بگیرد از سوی دیگر اگر بتوانیم از حد نیاز شخصی نیز بیشتر تولید کنیم، آنگاه می‌توان در مورد صادرات و ایجاد اشتغال هم به موضوع نگاه کرد آنچه که مسلم است، عنصر زمان در تولید صنایع دستی حایز اهمیت است. از همین رو صنعتگران با صرف وقت زیاد، آثار قابل ارایه را به نمایش می‌گذارند اما اگر نتوانند هزینه‌های جاری زندگی خود را با درآمد حاصل از این فعالیت تامین کنند، یقیناً از ادامه کار باز خواهند ماند و این موضوع را باید در نظر داشت که از چه راهی می‌توان آثار فرهنگی و هنری را با درآمدزایی در کنار یکدیگر قرار داد تا تولید این آثار همچنان ادامه داشته باشد؟ متأسفانه در شرایط فعلی مشاهده می‌شود با وجود ریشه‌های صنایع دستی در باورهای اجتماعی، قومی و ارزش‌های معنوی مردم، به تدریج این گونه اقلام به دلیل تغییر در نحوه زندگی و سلاهی خانواده‌ها از سید مصرفی آنها خالی شده است و به تبع بعضی از کالاها نیز کمتر از یک دهه است که در

سید مصرفی خانواده‌های ایرانی اضافه شده است و در حال حاضر کمتر خانواده‌ای به سمت خرید صنایع دستی تمایل نشان می‌دهد. یکی از دلایل آن، این بود که مدیرانی که در گذشته هدایت صنایع دستی را بر عهده داشتند، به اشتباه گمان می‌کردند صنایع دستی را همواره می‌توان حفظ کرد در حالی که رقبای ما، منسجم‌ترین برنامه‌ها را تدوین کرده‌اند و در طی سال‌های اخیر از غفلت ما سوء استفاده کرده و در زمینه‌های مختلف صنایع دستی از ما پیشی گرفتند و در حال حاضر ناراضی‌ترین دست‌اندرکاران صنایع دستی نشانگر آن است که وضعیت این صنعت نیاز به بهبود و برنامه‌ریزی بیشتر حمایتی دارد. صنایع دستی در دهه‌های اخیر و قبل از ادغام این سازمان با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مدیران بسیاری به خود دیده است که همگی آنان با اهداف و برنامه‌هایی که داشته‌اند بیشتر با روش آموزش و خطا حرکت کرده‌اند بر این اساس مسوولان فعلی صنایع دستی باید با یک برنامه جامع و کامل بتوانند نکات و ابعاد فراموش شده این صنعت را در اذهان عمومی مردم تقویت کرده علاوه بر این راهی برای انگیزه مصرف و خرید صنایع دستی در بین خانواده‌های ایرانی پیدا کنند. همچنین در اقتصاد ایران ظرفیت‌های خالی فراوانی برای احیا و رشد این صنعت وجود دارد و اگر دولت در سیاست‌های اقتصادی خود سهمی برای صنایع دستی در نظر بگیرد نه تنها در ابعاد هنری بلکه در بهبود وضعیت اقتصادی مردمی که از راه صنایع دستی گذران زندگی می‌کنند تحولات بسیاری به وجود خواهد آمد بلکه این صنعت و هنرهای وابسته به آن همچنان در زندگی روزمره مردم باقی می‌ماند.